

1. اي طوعه من غريم

آواز دشتي
تاريخ و محل ضبط: آذر 1386، شهرستان بهشهر، روستاي سراج محله
راوي: ناصر رضايي
دم و ادامه اين نوحه در گوشه درآمد اجرا مي گردد.

دم نوحه:

اي طوعه من غريم، بي يار و غم نصيم
من نايب حسينم، من مسلم عقيلم

ادامه نوحه:

اي زن مرا ز احسان مهمان نما به آبي
اين لعل تشنه ام را يا آب ده جوابي
رحمي نما به حالم گر پيرو كتابي
تحصيل کن تو اي زن با اين عمل ثوابي

اول تمام بيعت بر عهد من بيستند
آخر چرا ز كينه عهد مرا شكستند؟
قلب رسول و آلاش از اين قضيه خستند
اي خصم آلياسين، بر مصطفي سليلم

از تشنه كامي اي قوم بر لب رسیده جانم
آيم دهيد آتش افتاده بر روانم
آخر نه اي لعينان امروز ميهمانم
اي ملحدان بي دين من بر شما دليلم

اي كوفيان بي نام وي مشركان پرننگ
از شش طرف بيستيد بر روي من در جنگ
بر فرق من مياريد گه آتش و گهي سنگ
يك يك به جنگم آئيد من بر شما دليلم

آواز دشتي
تاريخ و محل ضبط: آذر 1386، شهرستان بهشهر، روستاي سراج‌محل
راوي: ابوالقاسم تيرگري
دم و ادامه اين نوحه در گوشه درآمد اجرا مي‌گردد.

دم نوحه:

بر سر پيمان حسين با همه ياران حسين

ادامه نوحه:

آمده در كربلا عزيز زهرا حسين بر سر پيمان حسين با همه ياران
حسين
گشته مهاي شهادت شه بطحا حسين خسرو عبا حسين فروغ
دلها حسين

آمده با اهل و عيالش شه خويان حسين
آمده با قافله چون گذشته از جان حسين
مقابل مخالفين در بر اعدا حسين
بر سر پيمان حسين با همه ياران حسين

آمده تا در ره دين فدا کند اکبرش
حم و حبيب، عون و ابوالفضل و علي اکبرش
خرم و خوشحال از اين نهضت عظاما حسين
بر سر پيمان حسين با همه ياران حسين

جوان خوش منظرش
دسته گل احمرش

آواز دشتي
تاريخ و محل ضبط: شهرستان آسپتانه اشرفيه، روستاي فوشازده
راوي: سيد عيسي علوي فوشازده
دم و ادامه اين نوحه در گوشه درآمد اجرا مي‌گردد.

دم نوحه:
شيحيان آمد مُحرم ناله در ارض و سماست
اول ماه عزاي خامس آل عباسست
اول ماه عزاست
اول ماه عزاست

ادامه نوحه:
آمد آن ماهي که سرتاسر تمامش ماتم است
آمد آن ماهي که نامش باعث آه و غم است
گر به جاي اشک خون از دیدگان باري کم است
در زمين و آسمان فریاد و افغان و دعاست
اول ماه عزاست

آمد اندر کربلا فرزند زهرا، شاه دین
سینه‌زن، مویه‌کنان، در ماتمش خیرالنساست
دشمنان آماده قتلش به دشت کربلا
ناله طفلان وي از نینوا تا ماسیواست
اول ماه عزاست

زينب اندر اين زمين گرديده با غم مبتلا
سوي آن خونين جگر از هر طرف سيل بلاست
آه ازان وقتي که زينب در محيط خاک و خون
بر سر نعش حسين افتاده در حزن و نواست
اول ماه عزاست

دستگاه راست‌پنجگاه
تاریخ و محل ضبط: اردیبهشت 1386، شهرستان ورامین، شهرک مدرس
راوی: هاشم شهرامیار
دم نوحه در گوشه نغمه و ادامه آن در گوشه‌های نغمه و عراق خوانده
می‌شود.

دم نوحه:
این دل تنگم عقده‌ها دارد
گوئیا میل کربلا دارد

ادامه نوحه:
می‌روم بینم در کجا زینب
شیکوه از شمر بی‌حیا دارد
ای خدا ما را کربلایی کن
مجلس ما را کبریایی کن
می‌روم بینم حضرت عباس
در کجا دست از تن جدا دارد
می‌روم بینم در کجا اکبر
تیر در پیکر از جفا دارد
می‌روم بینم قاسم داماد
در کجا دست در خون حنا دارد
می‌روم بینم در کجا لیلا
نوعروس خود در بغل دارد
نوحه‌های قاسم (ع)

آواز کردبیات
تاریخ و محل ضبط: آبان 1384، شهرستان ورامین، شهرک مدرس
راوی: ابوطالب رضایی
دم و ادامه این نوحه دارای شکل دو قسمتی است که در گوشه درآمد
اجرا می‌گردد.

دم نوحه:

قاسم به عدو گفت یل صفشکنم من
یتیم حسنم من یتیم حسنم من
یعنی خلف پادشه ممتحنم من
یتیم حسنم من یتیم حسنم من

ادامه نوحه:

گر بچه‌ام ای قوم دغا بچه شیرم
گه رزم دلیرم گه رزم دلیرم
در معرکه شیرافکن ازرق فکنم من
یتیم حسنم من یتیم حسنم من

من در یتیم از صدف آل رسولم
عمو کرده قبولم عمو کرده قبولم
سرباز هزبرافکن شاه زمنم من
یتیم حسنم من یتیم حسنم من

باشد پدر من خلف حیدر صفدر
حسن سیط پیمبر حسن سیط پیمبر
خوش غنچه پژمرده از آن چمنم من
یتیم حسنم من یتیم حسنم من

گردیده عمویم شه دین بی‌کیس و بی‌یار
ای فرقه کفار ای فرقه کفار
قربانی کفار و فدای سننم من
یتیم حسنم من یتیم حسنم من

بر آل پیمبر ز چه نایاب بود آب
سکینه شده بی تاب سکینه شده بی تاب
جانباز علی اصغر شیرین سخنم من
یتیم حسنم من یتیم حسنم من

آواز افشاری
تاریخ و محل ضبط: اردیبهشت 1387، تهران
راوی: محمدعلی حسین دوست
دم و ادامه این نوحه در گوشه درآمد اجرا می‌گردد.

دم نوحه:
رفتی به میدان با لعل عطشان
من در قفایت با چشم گریان

ادامه نوحه:
ای یادگار مجتبی، ای یاور من،
ای نور چشمان حسن، برادر من،

قاسم، تو بودی جانشین اکبر من
رفتی ز دستم همچو جان از پیکر من

دشمن چرا پرپر گل رویت نموده
رحمی نه بر این قد نیکویت نموده

آن دم که گفתי ای عمو برس به دادم
کی می‌رود فریاد جانسوزت ز یادم

کی سوزم از آن لحظه‌ای که ز جور عدوان
شد پیکر پاکت به زیر سم اسبان
بد آرزویم تا که در بزم نشینم
اینک کنار نعش پرخونت نشینم

آواز بیات ترک
تاریخ و محل ضبط: آذر 1386، شهرستان بهشهر، روستای سراج محله
راوی: ابوالقاسم تیرگری
دم و ادامه این نوحه در گوشه درآمد اجرا می‌شود.

دم نوحه:

پور مجتبی، قاسم
در راه خدا قاسم
جان فدا کند قاسم
جان فدا کند قاسم

ادامه نوحه:

رخصت از عمو خواهد
از دو دیده خون بارد
در دل عقده‌ها دارد
دور خیمه‌ها قاسم

دید یاوران رفتند
نور دیدگان رفتند
از پیر و جوان رفتند
مانده در قفا قاسم

نزد شاه دین آمد
امر شد چنین آمد
غم‌دیده حزین آمد
مانده‌ای به جا قاسم

نقل اشک سر و داد
نزد شاه بطحا داد
دست خطّ پاپا داد
حاجتش روا قاسم

از عمو اجازت خواست
زیورش به تیغ آراست
تا به یاریش برخاست
سوی اشقیا قاسم

دستگاه نوا
تاریخ و محل ضبط: آذر 1384، شهرستان شازند، روستای عَزَدیه
راوی: غلامعباس جهانی
دم و ادامه این نوحه در گوشه درآمد اجرا می‌گردد.

دم نوحه:

بیا مادر از حرم بیرون سرو بستانت می‌رود میدان
کفن بنما بر تن قاسم مونس جانت می‌رود میدان

ادامه نوحه:

بیا مادر درد دل گویم این دم آخر با تو از احسان
مکن دیگر بعدم ای مادر، گریه و زاری، ناله و افغان

بُود یارم اندر این صحرا ای ستمدیده خالق سبحان
ز جور چرخ گل مادر از گلستانت می‌رود میدان

اگر دیدی پیکرم را در خاک و خون غلتان، صبر کن مادر
اگر دیدی رأس من بر نی چون مه تابان، صبر کن مادر

اگر دیدی پیکرم را در خاک و خون غلتان، صبر کن مادر
حلالم کن نازپرورده روی دامنات می‌رود میدان

رهایم کن تا که بنشینم بر بُراق مرگ با هزار افغان
که جولانم گشته ای مادر دیده گریان، غرقه جانان

ز خون من باید این صحرا لاله‌گون گردد از دم پیکان
شود جسمام توتیا از کین، جان جانانت می‌رود میدان

بیا مادر لحظه‌ای بنشین در کنار من از ره یاری
که من رفتم گشته گردیدم نوعروسم را ده تو دلداري

11. گهواره خالي، قنډاقه خونين

دستگاه همایون
تاریخ و محل ضبط: آبان 1384، شهرستان شازند، روستای عَزَدیه
راوی: سبزه‌علي شعبانی
دم و ادامه این نوحه در گوشه شوشتری اجرا می‌گردد.

دم نوحه:
گهواره خالي، قنډاقه خونين
لائي لائي اصغرم برگشته رولم

ادامه نوحه:
من در خيام شاه شهيدان
از مرگ اصغر با آه و افغان
گفتا ربابه با چشم گريان
لائي لائي اصغرم برگشته رولم

رفتي به ميدان، همراه بايا
از نوک پيکان نوشيده‌اي آب
بر روي دست‌اش رفتي تو در خواب
لائي لائي اصغرم برگشته رولم

اي اصغر من، آرام جانم
رفتي و بردي تاب و توانم
بعد از تو ديگر من ناتوانم
لائي لائي اصغرم برگشته رولم

13. عجب گلي روزگار

آواز دشتي
تاريخ و محل ضبط: آذر 1386، شهرستان ورامين، پيشوا
راوي: محمد عجمي
دم و ادامه اين نوحه در گوشه درآمد اجرا مي‌شود.

دم نوحه:

عجب گلي روزگار ز دست ليلا گرفت
که تا قيامت گلاب ز چشم ليلا گرفت

ادامه نوحه:

گل‌اش مشبک شده از دم تيغ و سنان
گل‌اش به خون غوطه‌ور، شدست چون ارغوان
گل‌اش به دشت بلا شدست در خون تپان
قرار و صبر و شکيب ز جمله دل‌ها گرفت

گل‌اش ز تاب عطش يقين که پژمرده بود
آب ندادش فلک يقين که افسرده بود
مادر افسرده‌اش ز داغش آزرده بود
دشت بلا در بغل آن قد رعنا گرفت

گفت نبي و علي غنچه لب باز کن
از دل پرحسرتت زمزمه آغاز کن
درد جوان‌مرگيت بر پدر آغاز کن
شور و فغان حرم تا به ثريا گرفت

اي گل خوش‌رايحه، مایه درمان من،
ماتم هجران تو سوخت دل و جان من
تا به فلک مي‌رود ناله و افغان من
مادر زارت مکان به کوه و صحرا گرفت

آواز افشاري
تاريخ و محل ضبط: آذر 1386، شهرستان اليگودرز، روستاي ملاطالب
راوي: محمود حيدري
دم و ادامه اين نوحه در گوشه درآمد اجرا مي‌شود.

دم نوحه:

عجب گلي روزگار ز دست ليلا گرفت
که تا قيامت گلاب ز چشم ليلا گرفت

ادامه نوحه:

گل اش مشبک شده از دم تيغ و سنان
گل اش به خون غوطه‌ور، شدست چون ارغوان
گل اش به دشت بلا شدست در خون تپان
قرار و صبر و شکيب ز جمله دلها گرفت

گل اش ز تاب عطش يقين که پژمرده بود
آب ندادش فلک يقين که افسرده بود
مادر افسرده اش ز داغش آزرده بود
دشت بلا در بغل آن قد رعنا گرفت

گفت نبي و علي غنچه لب باز کن
از دل پرحسرتت زمزمه آغاز کن
درد جوان مرگيت بر پدر آغاز کن
شور و فغان حرم تا به ثريا گرفت

اي گل خوش‌رايحه، مایه درمان من،
ماتم هجران تو سوخت دل و جان من
تا به فلک مي‌رود ناله و افغان من
مادر زارت مکان به کوه و صحرا گرفت

19. باب الحوائج

آواز کردیبات
تاریخ و محل ضبط: آذر 1384، شهرستان شازند، روستای عزّديه
راوی: سبزه‌علی شعبانی
دم و ادامه این نوحه در گوشه درآمد اجرا می‌گردد.

دم نوحه:

دستم به دامانت یا باب الحوائج
قربان احسانت یا باب الحوائج

ادامه نوحه:

ای مونس جان ام‌البنین، عباس
یار و مددگار سلطانی دین، عباس
عشق و مروت را در ثمین، عباس
عالم ثناخوانت یا باب الحوائج

ای منبع جود و مهر و وفاداری
تو دیده احسان بر هر گدا داری
بر عاشیقان خود لطف و عطا داری
گویند مچنانت یا باب الحوائج

از باده ناب عشق تو سرمستم
دل را به امید مهر شما بستم
بر ما نظر فرما مهمان تو هستم
ریزه‌خور خوانت یا باب الحوائج

آواز ابوعطا
تاريخ و محل ضبط: آذر 1384، شهرستان شازند، روستاي عزديه
راوي: غلامعباس جهاني
دم نوحه در گوشه درآمد و ادامه آن با حالي متفاوت در همين گوشه
اجرا مي شود.

دم نوحه:
سقاي دشت كربلا
شد دستش از بيكر جدا
عباس مظلوم، عباس مظلوم

ادامه نوحه:
عباسم، عباسم
اي سردار رشيدم، اي مایه اميدم
اي باوفایم، اي باوفایم
دشمن از، دشمن از
نام تو در تب و تاب
بردي ز چشمانم خواب
اي باوفایم، اي باوفایم

سکینه، سکینه
چشم انتظار و عطشان
هر دم گوید عمو جان
آبي بياور، آبي بياور
چشمانش، چشمانش
چون کودكان ديگر
سوي تو مانده بر در
آبي بياور، آبي بياور

عباسم، عباسم
با اشك دیدگانم، سوي حرم روانم
اي باوفایم، اي باوفایم
عباسم، عباسم
گويم چو با فغانم، با جمله کودكانم
اي باوفایم، اي باوفایم

آواز دشتي
تاريخ و محل ضبط: اردیبهشت 1387، تهران
راوي: محمدعلي حسين دوست
دم و ادامه این نوحه در گوشه درآمد اجرا مي گردد.

دم نوحه:
اي باوفا اباالفضل صاحب‌آوا اباالفضل

ادامه نوحه:
سقاي دشت كربلا، اباالفضل
سردار دست‌ازتن‌جدا، اباالفضل
دستت جدا از جسم اطهرت كو؟
افتاده دستت در كجا، اباالفضل؟

اکنون بُوَد هنگام ياري من
راضي مشو اينگ به خواري من
آخر براي جان‌نثاري من
كردی سر و جان را فدا، اباالفضل

بردار سر اي خسرو غضنفر
يار دگر در ياري برادر
منما حسينت را ز خود مكدّر
قم يا حبيبي، يا ابا، اباالفضل
با آن‌همه چالاكي و دليري
از خواهرت بنماي دستگيري
ترسم رود كلثوم در اسيري
در شهر شام پربلا، اباالفضل

جان برادر، از حسين چه ديدي؟
بهر چه دست از ياريم كشيدي؟
يسمیل‌صفت در خاک و خون تپيدي
اي زاده شير خدا، اباالفضل

دستگاه سه‌گانه

تاریخ و محل ضبط: آذر 1384، شهرستان شازند، روستای عزّدیّه
راوی: غلامعباس جهانی
دم و ادامه این نوحه در گوشه در آمد خوانده می‌شود.

دم نوحه:

سردار شه مظلومان، بر یاری دین و قرآن
با دست بریده، افتاده به میدان

ادامه نوحه:

با چهره از خون رنگین، آن آبروی اهل دین
در خون شده غلتان، بهر شه خوبان

شاه آمد در کنارش، با دیده اشکبارش
از داغ برادر، افسرده و نالان

گفت ای محرم اسرارم، سرلشکر و فرماندارم
مردانه سپردی جان، در ره جانان

ای سرلشکر جانبازان، ای زاده شاه مردان
از داغ تو خم شد، پشت من نالان
سردار حرم ابوالفضل، صاحب علم ابوالفضل
از داغ تو زینب، گردیده پریشان

دستگاه چهارگاه
تاریخ و محل ضبط: آذر 1386، شهرستان الیگودرز، روستای ملّطالب
راوی: محمود حیدری
دم و ادامه این نوحه در گوشه درآمد اجرا می‌شود.

دم نوحه:

به نام ماه هاشمی چو قرعة جدال شد
نژاد مرتضی علی مصمم قتال شد

ادامه نوحه:

ز خیمه‌گه به نزد شه بیامد و بایستاد
باادبانه دست‌ها به روی سینه برنهاد
به خاک پای شاه دین به افتخار بوسه داد
پس از مراسم ادب زبان به نزد شه گشاد
بگفت هرگزت شها به روزگار بد مباد!
برای جان‌نثاریت مرا امرالبنین بزاد
کجا به جان‌نثاریت کسی توان مثال شد؟

ز بردباریم سپه دلیر شد به کارزار
پس از تحمل زیاد، عذاب آورد به کار
اجازه ده که رو کنم به سوی لشکر شرار
حیات زندگی دگر نیایدم شها به کار
اجازه ده برآورم ز روزگارشان دمار
زنم ز شعله غضب به عمر جملگی شرار
خلاصه از شه شهید اجازه قتال شد

به حسرتی وداع کرد ز خیمه شد شه شهید
سکینه را به بر گرفت به آب دادش او نوید
به پرچ زین طلوع کرد، به پشت زین آرمید
ز سم مرکبش زمین به لرزه آمد و تپید
خود از ضیاء طلعتش عنان غاشیه کشید
ز صولت و صلابتیش ملک به سینه دل تپید
روان به جانب عدو چو قهر ذوالجلال شد

دستگاه چهارگاه
تاریخ و محل ضبط: بهمن 1385، شهرستان ورامین، پیشوا
راوی: محمد عجمی
دم نوحه در گوشه درآمد و ادامه آن در گوشه‌های مویه و درآمد اجرا
می‌گردد.

دم نوحه:

ابوالفضل باوفا، علمدار لشکر
مه‌هاشمی‌نسب، امیر دلاورم

ادامه نوحه:

ز ضرب عمود کین شکسته چرا سرت؟
چنین قطعه‌قطعه شد چرا جسم اطهرت؟
برادر چرا به خون فتادست پیکرت؟
که نعش تو غرق خون فتاده برابرم

برادر، چرا قلم شده دست‌های تو؟
به خون غوطه‌ور شدیست قد رسای تو؟
دریغ از جوانی‌ات! شوم من فدای تو
تو کردی برادری تمام، ای برادرم

فدای دو بازویت که گشت از بدن جدا
نمودی به راه دین سر و جان و تن فدا
به چشم تو تیر کین نشسته است یا ابا
برادر، چه سان تو را به خون غوطه بنگرم؟

فتاده ز کف چرا برادر لَوای تو؟
نیاید به گوش من عزیزم صدای تو
به قربان غیرت، فدای وفای تو
که لب‌تشنه از فرات گذشتی به خاطر

دستگاه راست پنجاه
تاریخ و محل ضبط: آذر 1386، شهرستان بهشهر، روستای سراج محله
راوی: محمدجعفر مسلمی
دم و ادامه این نوحه در گوشه نیریز اجرا می‌گردد.

دم نوحه:

اي ابوالفضل، اي باوفاي من
خيز از جا، اي مهلقاي من

ادامه نوحه:

ز جا برخيز اي مه تابان
تا رويم خيمه نزد طفلانم
تمام اهل حرم گريان
از غمت جانا ديده خونبارم
سکينه يا کودکان خيمه
العطش گويان، ديده خونبارند
همه طفلان چشم در راهند
تا بري آبي اي سپهدارم

ز جا برخيز اي برادر جان
بين حسين تو بي علمدار است
ز ظلم اين شامي و کوفي
اندر اين صحرا بي مددگار است
خدا داند از غم مرگت
اي برادر جان زار و افغانم
چگونه رو در حرم ارم
گر ز من پرسند کو علمدارت؟

دستگاه نوا
تاریخ و محل ضبط: شهرستان ورامین، پیشوا
راوی: غلامحسین مؤمنی
دم نوحه در گوشه درآمد و ادامه آن در گوشه‌های عراق و درآمد اجرا
می‌شود.

دم نوحه:

عباس، سکینه به حرم تشنه آب است
برخیز علی‌اکبر من در تب و تاب است
ای جان برادر، ای جان برادر

ادامه نوحه:

این قوم دل عترت ما را بشکستند
ز اول په رخ آل علی آب بیستند
از کین دل پیغمبر و زهرای بختند
این فرقه بی‌دین ز خدا بی‌خبرستند
من سبط رسولم، فرزند بتولم
پرخون جگر زینب و کلثوم و ریاب است

تا از بدن آن دست رشید تو جدا شد
بالله کمرم از غم مرگ تو دوتا شد
از اهل حرم ناله و فریاد بپا شد
بین ناله طفلان ز زمین تا به کجا شد!
من سبط رسولم، فرزند بتولم
از من به تو ای ساقی لب‌تشنه خطاب است

تا ناله «آدرکنی ایا» از تو شنیدم
فریاد و فغان از دل پردرد کشیدم
بی‌تاب شدم تا به کنارت رسیدم
گفتم که زکف رفت علمدار رشیدم
من سبط رسولم، فرزند بتولم
بر تشنه‌لبانم برسان آب، ثواب است

آواز دشتي
تاريخ و محل ضبط: شهرستان آستانه اشرفيه، روستاي فوشازده
راوي: سيد عيسي علوي فوشازده
دم نوحه در گوشه درآمد و ادامه آن در گوشه‌هاي درآمد، بیات‌راجع و اوج
(عشاق) اجرا مي‌شود.

دم نوحه:

امشب شهادتنامه عشاق امضا مي‌شود
فردا ز خون عاشقان اين دشت غوغا مي‌شود

ادامه نوحه:

امشب کنار يكدگر بنشسته آل مصطفي
فردا پريشان جمع‌شان چون قلب زهرا مي‌شود

امشب بود برپا اگر اين خيمه ثاراللهي
فردا به دست دشمنان برکنده از جا مي‌شود

امشب صدای خواندن قرآن به گوش آيد همي
فردا صدای الأمان زين دشت برپا مي‌شود

امشب شه دنيا و دين با قلب مجروح و غمين
گويد به زين‌العابدين باشد وداع آخرين

امشب کند ليلا فغان، زينب بود برسرزنان
اين از غم سلطان دين، آن از فراغ نوجوان

اين در صدای الحدّر، آن در نوای الأمان
اين با برادر در سخن، آن دل به اکبر مي‌دهد

دستگاه سه‌گانه

تاریخ و محل ضبط: آذر 1386، شهرستان بهشهر، روستای سراج‌محل
راوی: ابوالقاسم تیرگری
دم نوحه در گوشه درآمد و ادامه آن در گوشه‌های زابل و درآمد اجرا می‌شود.

دم نوحه:

شیعیان، فردا حسین بی‌پار و یاور می‌شود
خون‌جگر، زینب ز داغ شش برادر می‌شود

ادامه نوحه:

تا که آب آرد به شطّ خون، جدا
از بدن دست ابوالفضل دلاور می‌شود
بر سر دست حسین از تیر ظلم حَرَمِله
پاره حلق نازک شش‌ماهه اصغر می‌شود

حضرت نجمه نمی‌داند که فردا قاسم‌اش
از جفای کوفیان صدپاره پیکر می‌شود
شش برادر باشد امشب زینب و کلثوم را
پیکر هریک به خون فردا شناور می‌شود

شمر ملعون از جفا سازد جدا رأس حسین
نوحه‌گر زین ماجرا زهرای اطهر می‌شود

دستگاه چهارگاه
تاریخ و محل ضبط: اردیبهشت 1387، تهران
راوی: محمدعلی حسین دوست
دم نوحه در گوشه درآمد و ادامه آن در گوشه مویه اجرا می‌گردد.

دم نوحه:

امشب شب قتل حسین، سلطان خوبان است
فردا زمین کربلا از خون گلستان است
زینب پریشان است
زینب پریشان است

ادامه نوحه:

امشب علمدار حسین دارد نگهبانی
فردا تن بی‌دست او اندر بیابان است
آن حیدر ثانی
زینب پریشان است

امشب به روی سینه مادر بود اصغر
فردا ز تیر حمله مهمان جانان است
آن طفل خوش‌منظر
زینب پریشان است

امشب بود قاسم میان خیمه‌گه شادان
فردا ز مرکب سرنگون این سرو بستان است
از خواندن قرآن
زینب پریشان است

امشب گلان مصطفی از تشنگی بی‌تاب
فردا روان از دیدگان اشک یتیمان است
در گفتگوی آب
زینب پریشان است

آواز افشاري

تاريخ و محل ضبط: خرداد 1386، شهرستان ورامين
راوي: شمس‌الله منصوري
دم و ادامه اين نوحه در گوشه درآمد اجرا مي‌شود.

دم نوحه:

حسين جان كفت كو؟

حسين پيرهننت كو؟

ادامه نوحه:

گر دل كَنَم از تو چه كُنَم با دل خونين؟

گر دل نَكَنَم گو چه دهم پاسخ لشكر؟

حسين جان كفت كو؟

حسين پيرهننت كو؟

در كرْبِلا بوي بهشت است يقيناً

ديشب به سُرَاغت زارَم آمده حيدر

حسين جان كفت كو؟

حسين پيرهننت كو؟

گر شير خدا بود به بالين تو اي شه

انگشت تو را پس كه بريدست ز پيكر؟

حسين جان كفت كو؟

حسين پيرهننت كو؟

دستگاه شور
تاریخ و محل ضبط: آذر 1386، شهرستان بهشهر، روستای سراج محله
راوی: ناصر رضایی
دم و ادامه این نوحه در گوشه درآمد اجرا می‌گردد.

دم نوحه:

مهلاً مهلاً، مهلاً مهلاً، ای حسین جانم
یابن الزهرا، یابن الزهرا، ای حسین جانم

ادامه نوحه:

تنها به میدان می‌روی وای از این محنت
خواهر به قربان تو و این همه غربت

آهسته رو، آهسته رو، ای امید من
تا بینمت بار دگر ای گل زهرا

ای وای من، ای وای من، ای قرار من
جان می‌سپاری تشنه لب در کنار من

در پیش چشم عترت بی‌کس و تنها
مست و خرامان می‌روی ای حسین جانم

آواز ابوعطا
تاریخ و محل ضبط: بهمن 1386، شهرستان سیرجان، حسن‌آباد قُهستان
راوی: ناصر کریمی‌نسب
دم و ادامه این نوحه ابتدا در گوشه حجاز و سپس در گوشه درآمد اجرا
می‌گردد.

دم نوحه:

آن دم که در دریای خون زینب شنا کرد
لب را به رگ‌های بریده آشنا کرد
گفت ای برادر، قریان رویت
بنما اجازه بوسم گلویت

ادامه نوحه:

هرگز کسی چون من تن بی‌سر نبوسید
بوسیدم آنجایی که پیغمبر نبوسید
حیدر نبوسید، زهرا نبوسید
حتی نسیم صحرا نبوسید

امشب چرا این خواهر محزون خسته
تا نیمه‌شب خوانده نمازش را شکسته
گل‌های زهرا، گردیده پرپر
خاموش اینجا گردیده اصغر
این سر که ریزد از لب‌اش شهد حلاوت
فردا به نوک نی کند قرآن تلاوت
گفت ای برادر، قریان رویت
بنما اجازه بوسم گلویت

تاریخ و محل ضبط: آذر 1386، شهرستان بهشهر، روستای سراج محله
راوی: ابولقاسم تیرگری
دم نوحه در گوشه درآمد و ادامه آن در گوشه جامه دران اجرا می شود.

دم نوحه:

بهر اسیري زینم خود را مہیا کن
خواهر به جان من تو کمتر شور و غوغا کن
امر من اجرا کن
امر من اجرا کن

ادامه نوحه:

امروز خواهر می شوم من کشته اعدا
طفلان من را مادری خواهر تو فردا کن
زینب در این وادی سرم از تن جدا گردد
فردا به روی نی سر من را تماشا کن
ای دختر زهرا
امر من اجرا کن
پیش شما گردد
امر من اجرا کن

بی سر تمام نوجوانان من ای خواهر
در پیش چشم تو ولی صبر و شکیبا کن
آن دم که آتش در فتد در خیمه ای خواهر
با کودکانم جان خواهر رو به صحرا کن
گردند ای خواهر
امر من اجرا کن
زین قوم بد اختر
امر من اجرا کن

بر تو سپارم کودکان موپیشان را
یک یک پرستاری به جان من در آنجا کن
خواهر در این ساعت کزین دشت بلا رفتی
بزم عزایی هم برای من تو فردا کن
خواهر یتیمان را
امر من اجرا کن
از کرپلا رفتی
امر من اجرا کن

چون عازم شام خراب و کوفه ویران
در راه شام و کوفه با دشمن مدارا کن
در بین ره طفلی اگر روی زمین افتاد
این را سوار و آن دگر را دفن و تنها کن
گشتی تو خواهر جان
امر من اجرا کن
یا کودکی جان داد
امر من اجرا کن

دستگاه چهارگاه
تاریخ و محل ضبط: مهر 1384، شهرستان ورامین، شهرک مدرّس
راوی: ابوطالب رضایی
دم نوحه در گوشه درآمد و ادامه آن در گوشه‌های گوناگون از جمله
درآمد، مویه و حصار خوانده می‌شود.

دم نوحه:

گل باغ پیمبر، عزیز دل حیدر
حسین ای شه خوبان، مرو جانب میدان

ادامه نوحه:

(گوشه درآمد):

تو ای پور یدالله، شدي غریب و تنها
برادر به تو قربان، برادر به تو قربان
حسین ای شه خوبان، مرو جانب میدان

(گوشه مویه):

تو و آن لب عطشان، منم یا غم هجران
تو و آن تن عریان، به زیر سم اسبان
شرارم زده بر جان
حسین ای شه خوبان، مرو جانب میدان

(گوشه حصار):

ایا روح و روانم، ز هجرت به فغانم
در این وادی پرغم، دو چشمم شده پُرنم
نگر دیده گریان، حسین ای شه خوبان، مرو جانب میدان

دستگاه مهور
تاریخ و محل ضبط: تیر 1387، شهرستان ورامین (روایت از افغانستان،
استان آرازگان، شهر تخت سنگ)
راوی: علی نظری
دم و ادامه این نوحه با لهجه افغانی در گوشه گشایش اجرا گردیده
است.

دم نوحه:
ای حسین مظلوم، سرور شهیدان
زاده پیمبر، شاه تشنه گامان

ادامه نوحه:
زینب دل افگار از قفای آن شاه
می دوید و می گفت با دو چشم گریان:
آخر ای برادر، ما زنان مضطر
محرمی نداریم اندر این بیابان
گر تو کشته گردی نیست اندر این دشت
یاور و معینی بهر ما غریبان

آن امام بی یار با دو چشم خون بار
در جواب زینب لب گشود این سان:
گفت خواهر من، موسم جدایی است
در جهان رسیده، روز من به پایان
این وداع امروز آخرین وداع است
حافظ شما باد ذات پاک یزدان

دستگاه همایون
تاریخ و محل ضبط: اسفند 1385، شهرستان ورامین، پیشوا
راوی: غلامحسین مؤمنی
دم نوحه در گوشه لیلی و مجنون و ادامه آن در گوشه بیداد اجرا
می‌گردد.

دم نوحه:
آهسته ران این مرکب نکویت
تا من ببوسم ای ابا گلویت

ادامه نوحه:
خوش می‌روی جان ابا به میدان
در این سفر کردی مرا پریشان
گویا رسد دیدار ما به پایان
زینب نشیند در فراق رویت

برگرد و یکبار دگر برادر
کرده وصیت مادرم در آخر
تا من ببوسم آن گلوی اطهر
کام دلی گیرم ز آرزویت

داری خبر از حال ما یتیمان
بعد از تو با ما کس ندارد احسان
بی‌تو چه سازم اندر این بیابان
زینب ز که گیرد سراغ رویت

طفلان تو بی‌پار و بی‌معین‌اند
بعد از تو با افغان و شور و شین‌اند
با ناله‌های «یا حسین، حسین»‌اند
در کوه و در صحرا به جستجوییت

دستگاه راست‌پنجگاه
تاریخ و محل ضبط: دی 1386، زنجان
راوی: بیوک شکوری
دم و ادامه این نوحه در گوشه آذربایجانی اجرا می‌گردد.

دم نوحه:

سجده‌گاه عشق سالدون، قانلی جانمازی قارداش
(ای برادر که در سجده‌گاه عشق، جانماز خونین پهن کردی)
نه آتام قیلوب نه جدیم، سن قیلان نمازی قارداش
(آن نمازی را که تو خواندی نه پدرم خواند و نه جدم)

ادامه نوحه:

امتحانیوی گوی اهلی، گورجگین نوا ائدولر
(امتحان تو را تا اهل آسمان دیدند همه نوا کردند)
خیمه دن سن آریلاندا، زینبی دعا ائدولر
(لحظه‌ای که از خیمه جدا شدی، زینب را دعا کردند)
بو نمازیوه ملک لر، حتماً اقتدا ائدولر
(این نمازی را که تو خواندی حتماً ملائک بر آن اقتدا کردند)
الرون ئوپوب تاپولار، عالی امتیازی قارداش
(دستت را بوسیدند و امتیازی عالی پیدا کردند)
عاشق ائتسه سجده سین، تک صدق اوزیله لاینامه
(عاشق وقتی از روی صداقت سجده می‌کند بر خدای لاینام)

اولسیه ده نمازی کسمز، تا یتورمه سه تمامه
(عاشق اگر بمیرد هم نمازش را نمی‌شکند تا به آخر برساند)
سجده ده کسلیسه باشی، ذکرینه وئر اداومه
(اگر سرش بریده شود، ذکرش را اداومه می‌دهد)
نه بابام قیلوب نه جدیم، سن قیلان نمازی قارداش
(آن نمازی را که تو خواندی، نه پدرم خواند و نه جدم)
قان وئورور دامار لاریندان، جدیموز ئوپن بوغازون
(خون فوران می‌زند از گلویی که جدمان بوسید)
سو تاپولمادی اوقاندان، ائتدون آب دستمازون
(آب پیدا نشد و از آن خون برای آب وضو استفاده کردی)
لاجرم تیمم ائتمک، سیندیراردین امتیازون
(لاجرم تیمم نمی‌کنیم و این امتیاز را داریم که با خون وضو بگیریم)

عاشقون سو اولمياندا، قاندي دست‌نمازي قارداش
(عاشق اگر آب پيدا نكند وضویش را از خون مي‌گيرد)
يا غفور، اگر چاغيرسون، حشريده بو حنجريله
(اي خدا اگر با اين حنجره در روز حشر صدا كني)
دوزخي خموش انده لير، لطف حي داوريله
(با اين حنجره بريده و لطف خدا دوزخ را خاموش مي‌كنند)
عالمي باغيشلادارسان، بو كسيسميش اللريله
(عالم را مي‌بخشي با اين دست‌هاي بريده‌ات)
عز و ناز اولار سراسر، شيعه اون نيازي قارداش
(شيعه ما در آن روز نيازش تبديل به عز و ناز مي‌شود)

57. شام غربيان

دستگاه شور
تاريخ و محل ضبط: آذر 1384، شهرستان شازند، روستاي عزديه
راوي: سبزعلي شعباني
دم نوحه در گوشه درآمد اجرا مي‌گردد و در ادامه آن سه مصرع اول در
گوشه حسيني و مصرع آخر با فرود به گوشه درآمد به دم نوحه وصل
مي‌گردد.

دم نوحه:
شام غربيان مولاي شهيدان است
ارض و سما گريان بر حال يتيمان است

ادامه نوحه:
امشب رقيه در خرابه آه و افغان مي‌کند
اين بلبل شوریده دل دل‌ها پریشان مي‌کند
ويرانه را از اشک خود همچون گلستان مي‌کند
از دوري بابش در آه و افغان است

امشب سکینه مي‌کند در کربلا غوغا
گويد کنار پيکر بابش به صد شور و نوا
من آمدم با تو، کنون بي تو روم از کربلا
همراز من اي گل، خار مغيلان است
باشند اطفال حسين در ناله و افغان
از جور کوفي جملگي باشند سرگردان
با قلب پر خون از جفا، با سينه سوزان
در گوشه ويران جمع اسيران است

آواز ابو عطا
 تاريخ و محل ضبط: دي 1386، شهرستان ورامين، شهرک مدرس
 راوي: پري عرب حلوايي (بازخواني: مؤلف)
 دم اين نوحه در گوشه درآمد و سه مصرع اولی ادامه در گوشه حجاز و
 مصرع چهارم آن در گوشه درآمد اجرا مي گردد.

دم نوحه:
 طفل صغيري ز حسين گم شده
 قامت زينب ز الم خم شده
 ساريان
 ساريان

ادامة نوحه:
 زينب غمديده به غم مبتلا
 بود گرفتار کف اشقيا
 جمله يتيمان به بغل داده جان
 غم سر غم آمده افزون شده
 با نوا
 از جفا
 از وفا
 ساريان

گفت که اي خواهر محزون زار
 از غم عباس تويي داغدار
 محنت عالم شده بر ما دچار
 کودک زارم سوي هامون شده
 بي قرار
 اشک بار
 اين ديار
 ساريان

شب شده عالم همه خوف از سپاه
 طفلک نالان به دل پر زاه
 رو سوي هامون شده با سوز و آه
 درد يتيميش فراوان شده
 دين تباه
 بي پناه
 بي گناه
 ساريان

گر کند از من شه بي کس سؤال
 خواهر محزونه ام اي خوش خصال
 خوش شده اي حافظ طفلان به حال
 طفلکم از هجر پریشان شده
 زين مقال
 باکمال
 در مال
 ساريان

آواز ابوعطا
 تاريخ و محل ضبط: آذر 1384، تهران
 راوي: سبزعلي شعباني
 دم نوحه در گوشه درآمد و ادامه آن با حالي متفاوت در همين گوشه
 اجرا مي‌شود.

دم نوحه:
 نيزه شکسته‌ها را بز ن کنار زينب
 اينجا خفته
 حسينت

ادامه نوحه:
 قدم به ارض کربلا نهادم
 باني انقلاب و اتحادم
 حماسه‌ساز صحنه جهادم
 گوهر عشق و روح عدل و دادم
 ميان خون عزيز زهرا خفته
 اينجا خفته
 حسينت اينجا خفته
 حسينت

يکي رود خبر دهد به زهرا
 که دست حق فتاده روي صحرا
 بين خزان رسیده نوگلت را
 حسين تو غريب و تنها خفته
 اينجا خفته
 حسينت اينجا خفته
 حسينت

مدفن من زمين کربلا شد
 تشنه‌جگر سر از تنم جدا شد
 حماسه‌ها ز خون من بپا شد
 ذبيح حق سر از تنش جدا شد
 حسين تو غريب و تنها خفته
 اينجا خفته
 روي تو چون به سوي شام ويران
 همره تو قافله اسيران
 جان تو و جان همه يتيمان
 نما نگهداري اين اسيران
 به خاک و خون حسين چه زيبا خفته
 اينجا خفته
 حسينت اينجا خفته
 حسينت

آواز ابو عطا
تاریخ و محل ضبط: بهمن 1386، شهرستان سیرجان، روستای فیروزآباد
راوی: ناصر کریمی‌نسب
دم و ادامه این نوحه در گوشه درآمد اجرا می‌شود.

دم نوحه:

کارواني سر به صحرا در بیابان می‌رود
گوئیا آن زینب است با چشم گریان می‌رود

ادامه نوحه:

ساریان آهسته ران آرام جان گم کرده‌ام
من در این دریای خون در گران گم کرده‌ام
ساریان آهسته ران تندي مکن با کاروان
مهربانم می‌رود، آرام جانم می‌رود

ساریانا مهلتي، دارم در اینجا مشکلي
رفته از دستم گلي، از وي نبردم حاصلی
اندرین دشت بلا رفته ز دستم نوگلي
من حسین باوفا، آرام جان، گم کرده‌ام

ساریان بهر خدای من کمی آهسته‌تر
اندرین دشت بلا گم گشته از من تاج سر
شش برادر، شش دلاور، از من خونین‌جگر
اندرین صحرا ز جور کوفیان گم کرده‌ام

ساریانا مهلتي، تا بر سر نعش حسین
از دلم گویم، بیارم خون دل از هر دو عین
در عزایش عالمی را پرکنم از هر دو عین
من برادر در میان خاک و خون گم کرده‌ام

آواز دشتي
تاریخ و محل ضبط: اردیبهشت 1387، تهران
راوي: محمدعلي حسين دوست
دم و ادامه این نوحه درگوشه غم‌انگیز اجرا می‌گردد.

دم نوحه:
مران یکدم ساریان اُشتر، ناقه زینب رفته اندر گل
بده ظالم مهلتی آخر زانکه دارم من عقده‌ها در دل
دل زینب گشته طوفانی، رقیه گشته بیابانی، آه و واویلا، آه و واویلا

ادامه نوحه:
بده مهلت تا بمانم من در کنار این پیکر بی‌سر
از آن ترسم ساریان امشب آید و برد دست‌اش از پیکر
ندارد چون طاقت دیدن مادرم زهرا، یاب من، حیدر
در این صحرا ای شترداران، ماندنم آسان، رفتنم مشکل

شترداران بی‌کفن باشد این تن مجروح اندرین صحرا
مرا نبود معجزی دیگر تا کفن سازم جسم این شه را
ندارد چون سایه‌ای بر سر غیر خاشاک و جز تفِ گرما
اله من کن تو آگاهم، کشتی عمرم کی رسد ساحل

شتربانان ره خطرناک و کودکان مضطر، ناقه‌ها عریان
همی ترسم ای شترداران، از شتر افتند کودکان آخر
چرا آخر این همه تعجیل؟ رحم بنماید بر دل طفلان
ره شام و دشمن اندر پیش، از یتیمان من چون شوم غافل

شتربانان مهلتی آخر، بهر ما نبود قافله‌سالار
نباشد چون محرمی دیگر بهر ما زنها غیر این بیمار
ندارد او طاقتی دیگر، پیکر بیمارش بود تبار
همی‌گوید خاشع و غمگین، کربلا خواهیم تا کنم منزل

دستگاه شور
تاريخ و محل ضبط: آذر 1384 شهرستان شازند، روستاي عَزَدِيه
راوي: سبزعلي شعباني
دم نوحه در گوشه درآمد و ادامه آن در گوشه‌هاي حسيني و درآمد اجرا
مي‌گردد.

دم نوحه:

بيا اشك عزا بده دل را صفا، به ياد كربلا، به ياد كربلا

ادامه نوحه:

جرس هم‌ناله شد به آهنگ حزين، به آه و زمزمه، به آه و زمزمه
بخوان چاووش اشك، نواي غريت عزيز فاطمه، عزيز فاطمه
شده يا ليتني به لب‌ها آشنا، به ياد كربلا، به ياد كربلا

حسيني‌مذهبان به محراب غم‌اش عبادت مي‌کنند، عبادت مي‌کنند
تن شش‌ماهه را به قربانگاه عشق زيارت مي‌کنند، زيارت مي‌کنند
شده يا ليتني به لب‌ها آشنا، به ياد كربلا، به ياد كربلا

به عاشورا تپان رسد از كربلا، به گوش دل پيام، به گوش دل پيام
که دارد فاطمه به مظلوميت شهيدانش سلام، شهيدانش سلام
بقيع جان او شده ماتم‌سرا، به ياد كربلا، به ياد كربلا

قتيل اشك و عشق که بر لب‌هاي او، پيمبر بوسه زد، پيمبر بوسه زد
دل زهرا شکست ز داغ حنجرش، که خنجر بوسه زد، که خنجر بوسه زد
به ماتم همدم‌اند عزيزان خدا، به ياد كربلا، به ياد كربلا

دستگاه چهارگانه
تاریخ و محل ضبط: اردیبهشت 1387، تهران
راوی: محمدعلی حسین دوست
دم نوحه در گوشه درآمد و ادامه آن در گوشه زابل خوانده می‌شود.

دم نوحه:
حسین، ابا عبدالله
حسین، یا ثارالله

ادامه نوحه:
کلیم اگر دعا کند، بی تو دعا نمی‌شود
مسیح اگر شفا دهد، بی تو شفا نمی‌شود

گرد حرم دویده‌ام صفا و مروه دیده‌ام
هیچ کجا برای من کربلا نمی‌شود

چوب به دست قاتلت به ناله گفت این سخن
جای سر بریده در طشت طلا نمی‌شود

گشته به هر زمان زمین سرخ ز خون اهل بیت
خون کسی چو خون تو خون خدا نمی‌شود

کسی که گشت گرد تو، گرد خطا نمی‌رود
پیرو خط کربلا اهل خطا نمی‌شود

ای بدن تو غرق خون، ای سر و روت لاله‌گون
از چه خضاب کرده‌ای؟ خون که حنا نمی‌شود

جز سر غرق خون تو که شد چراغ کاروان؟
رأس بریده بر کسی راهنما نمی‌شود

کوفه و کربلا گذشت، سخت به عترت ولی
هیچ کجا به سختی شام بلا نمی‌شود!